

بررسی پیامدهای اشتغال زنان در خانواده

* مرتضی نگاری

چکیده

در این تحقیق تلاش شد به پیامدهای روحی، روانی، عاطفی و تربیتی اشتغال زنان در خانواده پرداخته شود، این پیامدها هر انسان عاقلی را به فکر فرو می‌برد که چگونه می‌توان دچار این آسیب‌ها در خانواده نشد، اگرچه هر فردی بنا به فطرت و غریزه خود دوست دارد که دیده شود و برای جامعه اش مفید باشد اما گاهی قیمت آن خیلی گزاف و ویران کننده خواهد بود. انسان عاقل در این دوراهی‌ها سعی می‌کند دوردست‌ها را ببیند، تربیت فرزندانی که باعث فخر دین و اسلام باشند خیلی مهمتر از دیده شدن زن در جامعه است، آنچه که در تعالیم دینی وارد شده اهمیّت الای خانواده است که با هیچ امر مهم دیگری برابری نمی‌کند، البته یقیناً صاحب نظرانی هستند که مسئله اشتغال زنان را از دیدگاه مثبت و پر لیوان دیده باشند و این که با اشتغال زن می‌توان درآمد خانواده را تا حد زیادی بالا برد، عقیده‌ای که اغلب مردم هم دارند، ولی این حقیقت وجود دارد که اثرات منفی اشتغال حتماً وحتماً خیلی بیشتر از اثرات مثبت آن هست. یقیناً اگر دولتمردان و مسئولین امر با این نگاه به مسئله پردازنند خواهند توانست راهکارهای فراوان برای برونو رفت از این مشکل بیابند.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، زن، خانواده، پیامد روحی و روانی، پیامد عاطفی، پیامد تربیتی.

* دانش آموخته سطح ۲ رشته تاریخ اسلام موسسه آموزش عالی امام رضا(ع).

مقدمه

یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است؛ از میان این عرصه‌های تحول، اشتغال زنان مهمترین مسأله است.

این تحول تا بدانجا پیش رفته که در رگه‌هایی از اجتماع متأسفانه شاهد تغییر تفکرات مذهبی شده‌ایم؛ با وجود تلاش‌هایی که در برگرداندن این تفکر از سوی دلسوزان مذهبی هستیم ولی چون از ابتدای امر به طور جدی جلوی آن گرفته نشد و این جریان فکری، راحت بین خانواده‌ها سیلان پیدا کرد، همچنان در جامعه زنان به دنبال فراهم آوردن اشتغال برای خود هستند.

البته نمی‌توان به طور کلی اشتغال زنان را حذف کرد چون هر چه جامعه گسترش پیدا کند ضرورت‌های شغلی برای زنان ایجاد می‌شود، اما در این میان خیلی مشاغل هستند که اصلاً نیازی به حضور زنان در آن پیدا نمی‌شود و متأسفانه با حضور ایشان خیلی آسیب‌ها به خانواده و به اجتماع زده شده است.

از آن جا که نقش مادر در تربیت فرزند، نقشی کاربردی و مهم است نمی‌توان به سادگی از مسأله اشتغال آن‌ها گذشت و باید بانوان را در خصوص این مسائل آگاه کرد، امید می‌رود که با این تحقیق قدمی هرچند کوچک در این مسیر برداشته شود.

۱۳۰



فصل اول گفتار اول: بیان مسأله

هر جامعه فرهیخته‌ای زمانی می‌تواند ادعای کند که سالم و پرصلاحت است که تک تک افراد از سلامت روحی، روانی، جسمی و تربیتی برخوردار باشد؛ در این میان زنان قشر قابل ملاحظه‌ای از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند که باید به به انواع سلامت آن‌ها توجهی ویژه شود.

از مهمترین موانعی که باعث به هم ریختگی این سلامت در قشر زنان می‌شود اشتغال نامناسب و دور از توان جسمی‌ان هاست، جدای از همه منافع و تصوّرات مثبتی که در مورد اشتغال زنان هست، متأسفانه باید اقرار کرد که در دوره‌های اخیر آنقدر توجه به اشتغال زن شد که امر خطیر و پر از ظرافت خانه داری، همسر داری و فرزندآوری به حاشیه رانده شد و واوسفا از جامعه‌ای که از خانواده‌های ریشه دار و پرصلاحت تهی شود.

در این تحقیق با فضل و یاری خداوند إن شاء الله به پیامدهای اشتغال زنان در خانواده پرداخته خواهد شد و جا دارد که مسئولین امر واقعاً چاره‌اندیشی کنند و مشکلات در این رابطه را حل و فصل نمایند.

گفتار دوم: روش تحقیق

تحقیق پیش رو زیر مجموعه جامعه شناسی، شاخه نهاد اجتماعی (نهاد خانواده) هست که به بیان پیامدهای اشتغال زنان در ابعاد روحی، روانی، عاطفی و تربیتی خانواده خواهد پرداخت.

این تحقیق با مراجعه به کتاب‌های روانشناسی، جامعه شناسی و پژوهش‌هایی که در این رابطه صورت گرفته نگاشته می‌شود و امید می‌رود که گرهی حتی کوچک از زندگی خواهران و خانواده‌های عزیز مسلمان بازکند. إن شاء الله.



گفتار سوم: ضرورت تحقیق

در طول تاریخ همواره به زنانی برخورد می‌کنیم که ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را به تکاپوی اقتصادی و استغال کشانیده است؛ تفاوت سده‌ی اخیر با اعصار گذشته این است که دگرگونی‌های ساختاری در حوزه اقتصاد که به کاهش قدرت خرید و تغییر الگوی مصرف انجامید، ضرورت استغال را بیش از پیش می‌کند، البته موضوع استغال زن را هر سکان دار فرهنگی از دیدگاه خود به بحث نشسته است؛ کارشناسان علوم انسانی؛ کارشناسان علوم اجتماعی و کارشناسان دینی که همه آن‌ها قابل تأمل و بحث است.^۱

اما آن‌چه ضرورت دانسته شد این تحقیق انجام شود، دیدن خانواده‌هایی بود که متأسفانه به خاطر استغال زن و درگیری‌های بیرون منزل، شالوده زندگی آن‌ها فرو ریخته و در آستانه طلاق هستند.

اگرچه بعضی مشاغل در جامعه ورود اضطراری و همیشگی زن را می‌طلبد ولی خیلی از مشاغل هم وجود دارد که هیچ ضرورتی ندارد که زن در آن ورود پیدا کند که متأسفانه برخی خانواده‌ها بدون هیچ نیاز مادی به این مسأله تن داده‌اند.

نگاهی به پیامدهای منفی استغال بانوان در خانواده و لوكوتاه حتماً و حتماً خانواده را به بازنگری به این مسأله سوق خواهد داد.

گفتار چهارم: مفهوم شناسی

مفهوم استغال

واژه استغال در لغت «الشُّغُلُ (بالضمِّ و الصَّمْتَيْنِ و بالفتحِ و بالفتحَيْنِ) ضدُ الفراغِ» ضد فراغت^۲ و قال الراغب: «هو العارض الذي يذهب الانسان؛ چیزی که عارض برانسان می‌شود تا غفلت را از بین ببرد». ^۱

۱. زعفرانچی، لیلا، استغال زنان، صفحه ۲۱.

۲. مجdalidin محمد فیروز آبادی، ابوطاهر، قاموس المحيط، جلد ۳، ص ۵۴۹.

از نظر اصطلاحی اشتغال به فعالیتی گویند که به منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود بر عکس واژه کار که معنایی عام دارد و هر فعالیتی را در برابر می‌گیرد.

اشغال ۳ ویژگی دارد:

۱. انجام فعالیت در زمان مشخص و منظم

۲. دریافت مزد در قبال ساعات کار

۳. وجود فاصله میان محل کار و محل زندگی که گاه از آن به فاصله گرفتن
صرف از تولید تعییر می‌شود.^۱

و به تعابیری دیگر اگر بخواهیم اشتغال را معنا کنیم می‌توان این طور گفت که در هر جامعه‌ای عده‌ای از جمعیت فعال، شاغل هستند، شاغل کسی است که کار یا شغلی را داراست و به این کار و شغل به عنوان یک تخصص و حرفه آگاهی دارد، وضعیت داشتن و مشغول بودن جمعیت به شغل معینی را اشتغال گویند که در قبال این شغل و فعالیت پاداش یا مزدی به صورت نقدی یا جنسی دریافت می‌کنند.^۲

البته به کارگیری واژه اشتغال در فعالیت‌های مزوری، خواسته یا ناخواسته سبب شده که فعالیت‌های بدون مزد از جمله خانه داری، کارگاه‌های خانگی بدون دستمزد و امور خیریه، گرچه آثار اقتصادی شگرفی به همراه داشته‌اند، نادیده گرفته شود و زنان خانه دار در زمرة غیر فعالان جای گیرند.^۳

۱. حسینی زیدی واسطی، مرتضی، *تاج العروس*، جلد ۱۴، ص ۳۷۸.

۲. زعفرانچی، لیلا، *اشغال زنان*، ص ۲۳.

۳. مجله ویستا.

۴. زیبایی نژاد، محمدرضا، *اشغال زنان، عوامل پیامدها رویکردها*، ص ۲۴.

مفهوم خانواده

واژه خانواده از نظر لغوی «اهل خانه، اهل بیت، مجموعه افراد دارای پیوند نسبی یا سببی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، مجموعه خویشاوندان خاندان، تیره، خاندان».^۱

از بدو پیدایش انسان بر روی کره خاکی، همواره زنان و مردانی با تشکیل کانونی به نام خانواده عمری را در کنار یکدیگر سپری کرده فرزندانی را در دامان پر مهر خویش پرورانده اند و سپس از این جهان رخت بربسته‌اند، طبیعی‌ترین شکل خانواده همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد.^۲

۱۳۴

ولی باید اذعان کرد که خانواده فقط حضور تعدادی از افراد که در یک فضای فیزیکی و روانشناختی در کنار هم قرار دارند نیست، بلکه خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود که در کنار همه خصوصیات دیگری دارای مجموعه‌ای از قواعد است و هر یک از اعضایش نیز نقش خاصی دارند.

در داخل این سیستم پر از مهر و محبت حلقه‌های عاطفی قادرمند پایدار و متقابله، افراد را به هم گره زده است که با وجود فاصله‌های فیزیکی و یا گاهی مرگ از هم جداشدندی نیستند و آن علقه از بین نمی‌رود.^۳

کارترمگ گولدريک (۱۹۸۸) عقیده دارد که هیچ سیستم دیگری مانند خانواده نیست، خانواده‌ها از نظر سازمانی سیستم‌های عاطفی پیچیده‌ای دارند که ممکن است حداقل مرکب از سه نسل باشند.

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، ۶ جلد، ص ۷۵.

۲. خانواده خوب، ص ۱۳ الی ۱۶.

۳. نظری، علی محمد، مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی، ص ۱۱ و ۱۲.

گفتار پنجم: پیشینه تحقیق

پیشینه نگارشی

(۱) حجّه الإسلام والمسلمين محمدرضا زیبایی نژاد در پژوهشی با عنوان «اشغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها» که خانم زعفرانچی در کتاب خود با عنوان «اشغال زنان» آورده است، به طور مبسوط و جامع این موضوع را بررسی کرده است، این پژوهش شامل چهار فصل کلی است و سال ۱۳۸۸ دراین کتاب به چاپ رسیده است، ایشان نتیجه‌ای که از پژوهش خود گرفته است در قالب یک جمله این طور می‌توان گفت که، اشتغال زن در عین تامین نیازهای ضروری خانواده و اجتماع، مخاطراتی نیز به دنبال دارد که در این میان وجود امتیازات او را به سمت ایفای نقش اجتماعی می‌کشاند.

(۲) خانم حوریه سادات برهانی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رسانه‌ها در روند اشتغال زنان» که درکتاب اشتغال زنان در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده رسانه را یکی از عوامل شتاب زا در خصوص اشتغال می‌داند.

رسانه‌ها با بر جسته کردن زنان شاغل این تصوّر را در جامعه به وجود آورده که اکثر زنان شاغل‌اند، کاشت چنین تصوّری در جامعه زنان خانه دار را دچار تشویش می‌کند، ایشان در پژوهش خود چندین راهکار ارائه کرده‌اند.

(۳) سید حسین اسحاقی در کتابی با عنوان «مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی» که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده در بخش سوم کتابش به موانع، راهبردها و آسیب‌های مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان پرداخته است.

عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان، نظر اسلام بر این مشارکت، آسیب شناسی حضور اجتماعی زنان و... از مباحثی است که در این بخش کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

(۴) خانم مریم احمدیه در پژوهشی با عنوان «اشغال زنان در آراء و ادبیات فقهی» که در سال ۱۳۸۸ درکتاب اشتغال زنان به چاپ رسیده از دید فقهی به



مسئله اشتغال زنان پرداخته بیان داشته که در این مسئله عده‌ای جانب افراط و عده‌ای دیگر نیز جانب تفریط را گرفته‌اند.

نویسنده محترم این طور نتیجه گیری می‌کنند که اسلام هیچ محدودیتی برای زن و مرد در مسئله اشتغال قائل نیست.

۵) دکتر علی محمد نظری در کتاب خود با عنوان «مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی» که چاپ اوّل آن در سال ۱۳۸۶ هست در فصل چهارم کتاب خود به مسایل و مشکلات زندگی خانواده‌هایی که زن و مرد شاغل هستند می‌پردازد و البته به مزیّت‌های خانواده‌های شاغل نیز پرداخته است که در طول تحقیق از این کتاب کمک گرفته خواهد شد.

۶) خانم آمنه بختیاری در پژوهشی با عنوان «تأثیر اشتغال زنان بر خانواده با تأکید بر فرزندان» که در سال ۱۳۸۸ در کتاب خانم زعفرانچی به چاپ رسیده در ۷ بخش به بحث پرداخته است.

در این فصول به تحلیل ساختار خانواده، رابطه مادر و کودک، ناهنجاری‌های روحی و روانی فرزندانی که مادران شاغل دارند و... پرداخته است و در آخر پژوهش خود توصیه‌ها و راهکارهایی را ارائه داده‌اند.

۱۳۶

پیشینه علمی

ساختار جامعه ایران تا دوره قاجاریه ساختاری سنتی مذهبی بود و افراد پایبند آداب و رسوم و سنن ملی و شعائر مذهبی بودند، از نظر اقتصادی نیز اقتصاد کشاورزی بر جامعه حکم فرما بود.

فعالیّت آنان به فرزندآوری و انجام کارهای کشاورزی و نساجی محدود می‌شد و زنان در خارج خانه مسؤولیتی نداشتند.



در دوره قاجار به واسطه ارتباط صنعتی ایران با غرب اوضاع زنان در پایتخت و شهرهای بزرگ فرق کرد اما همچنان زنان روستایی به همان وضعیت بودند.^۱

ارتباط وسیع تر ایران با غرب سبب شد زنان برای کالاها و صنایع دستی به عرصه بازار ورود پیدا کنند و دیده شوند.

از بزرگترین وقایع ایران در قرن اخیر، انقلاب مشروطه بود که قانون اساسی آن به امضای مظفر الدین شاه رسید؛ این انقلاب تحول عظیمی در شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از جمله در وضع زنان ایران به وجود آورد.^۲

گروه های کوچکی از زنان برای آگاه ساختن زنان و هموطنان خود چندین انجمن بوجود آورdenد از جمله «انجمن آزادی زنان»

تا جنگ جهانی اوّل تعداد اندکی مدرسه در تهران و شیراز و اصفهان برای دختران تأسیس شد، علاوه بر کارهایی که برای زنان ایجاد شد، فعالیت های نوینی مثل تأسیس انجمن ها و احزاب، انتشار روزنامه و مجله و دایر نمودن مدارس هم ایجاد شد، بعد از به رسمیت شناختن پادشاهی رضاخان در سال ۱۳۰۴ به تدریج اقداماتی تحت عنوان تغییر لباس و رفع حجاب زنان صورت گرفت.

کم کم بازگشایی دیبرستان ها موجب شد تا زنان حداقل در دستگاه های دولتی عهده دار برخی مشاغل گرددند، توسعه اقتصادی ناشی از عایدات نفتی و به دنبال آن ملی شدن صنعت نفت موجب تغییرات اساسی در اقتصاد ایران و در نتیجه موقعیت زنان گردید.^۳

۱. بهنام، جمشید، ساخت های خانواده و خویشاوندی در ایران، ص ۱۲.

۲. همایون، ناصر، بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۲۴۶ تا ۲۶۲.

از دیگر عواملی که موجب ظهور و بروز زنان در دهه‌های اخیر در فعالیت‌های اقتصادی شد «لیبرالیسم اقتصادی» یا «نظام سرمایه داری است» از آن جا که لیبرالیسم مبتنی بر تبادل آزاد سرمایه و آزادی عمل سرمایه دار است و با مفاهیمی چون اصول ثابت اخلاق در عرصه کار مخالف است. زنان اروپایی و رگه‌هایی از این تفکر در زنان سایر کشورها از جمله ایران احساس کردند که زنان در طول تاریخ موقعیتی فرو دست داشته‌اند، از این رو دستیابی به مشاغل درآمد زا و احراز مناصب اجتماعی را خواستار شدند.

رواج فرهنگ مصرف گرایی، افزایش تورم، تغییر نظام اموزشی، جنبش فمینیسم، بروز تفکری که فرزندان سرمایه‌های دولتند نه ملک خانواده و... اموری بودند که از قرن بیستم زمامدار تفکر ورود زنان به مشاغل دولتی و غیر دولتی در سایر کشورها بودند.

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به بار نشست توانست حضور بی بدیلی را از حضور زنان در اجتماع نشان دهد، آن حضوری که در زمان شاهنشاهی به تبرج و فتنه گری تبدیل شده بود به برکت انقلاب و دفاع مقدس به حرکت پرشور زنان در قالب حضور در جنگ، حضور در راهپیمایی‌های عظیم، حضور آن‌ها در پشت صحنه جنگ حال یا به عنوان اعزام عزیزانشان به جبهه یا به عنوان آرامش بخشی به خانواده شان مبدل گشت.

روحیه‌ای که انقلاب در بین خانواده‌ها به ارمغان آورد، روحیه قناعت بود؛ آن ارزش‌هایی که قبل انقلاب با عنوان «دارندگی و برآزندگی» بود تبدیل به قناعت شد و این تفکر، بسیار ارزشمند بود، طوری که در دهه ۶۰ زنان شاغل جمعیت کمی را تشکیل می‌دادند که متأسفانه از دهه ۷۰ به بعد دوباره جامعه به سمت وسوی قبل انقلاب راهی شد.^۱

۱. زیبایی نژاد، محمد رضا، ص ۲۶ تا ۳۵.

**فصل دوّم: خانواده و اشتغال
گفتار اول: اهمیت و جایگاه خانواده
از منظر اسلام**

خانواده در دین مقدس اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، آن طور که هیچ ارگان و نهادی هرچند مهم باشد به اهمیت خانواده نمی‌رسد و واقعاً جا دارد که انسان سجده شکریه خاطر این موهبت عظیم که خداوند متعال برایشان ارزانی داشته، بر زمین بیاساید.

با مراجعه به متون دینی، به ویژه شیوه گفتار و رفتار پیامبر اکرم(ص) می‌توان به تبیین نگاه اسلامی به خانواده دست یافت و به نظریه‌ای در باب خانواده رسید، در این دیدگاه مقدس، اقدام به تشکیل خانواده، ساختن دوست داشتنی ترین سازمان اجتماعی است.

درنگاه اسلام ازدواج، مسیر دینداری راهموار می‌سازد^۱ و عزوبت شخصیت انسانی را فرو می‌کاهد^۲ ساختار خانواده در این نگاه، مبتنی بر سلسله مراتبی طولی و مرد، عهده دار سرپرستی خانواده است.^۳

از آن جا که ازدواج کردن از نگاه اسلام، آمیزه‌ای از تعهد و اختیار آزاد است که پس از تشکیل خانواده و بعد متعهدانه آن تقویت می‌شود، عمل طلاق که بدون انگیزه‌ای موجّه، فرار از تعهد و عملی هوس آمیز تلقّی می‌شود، عملی مبغوض به شمار می‌رود.

کار آمدی خانواده کانون توجّه آموزه‌های دینی است و بدین منظور تمهیداتی پیش بینی می‌شود که از ابتدای تشکیل خانواده و انتخاب همسر آغاز

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴، حدیث ۲۴۹۰۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۵، حدیث ۲۴۹۰۲.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۶۵، ح ۲۵۳۱۸.



شده و تا آخر استمرار می‌یابد؛ آموزه‌های دین توصیه می‌کند در انتخاب همسر به دو ویژگی مهم دینداری و حسن خلق توجه شود.^۱

ولی چون در درون خانواده، یقیناً تنش‌هایی به وجود خواهد آمد، سیاست اسلام به مهار خشونت‌های خانوادگی به ویژه در احادیث نبوی(ص) است، و برای این فرهنگ سازی به چند مطلب مهم پای می‌فشارد:

۱. تأکید بر مدارا و حسن خلق؛ احادیث در این باب زیاد است که به یک مورد اشاره می‌شود: «رفق ومدارا بر چیزی قرار نگرفت، مگر این که به زیبایی اش افزود و از چیزی گرفته نشد مگر آن که بدنمایش کرد».

۲. دعوت به صبر و خشم؛ دریhest مقامی است که تنها سه گروه به آن خواهند رسید، پیشوای عادل، آن کس که صله رحم کند و کسی که در قبال عائله ای خویش صبور باشد.^۲

۳. نهی از زمینه سازی خشونت؛ هر مردی که به همسرش ضرر رساند تا آن جا که زن با پیشنهاد فدیه خود را برهاند، خداوند به مجازاتی کمتر از آتش در حق او رضا نخواهد داد.^۳

۴. کم کردن زمینه‌های بدینی؛ حق مرد بر زن آن است که بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشود و کسی را که شوهرش خوش ندارد به منزل نیاورد.^۴

نکته جالبی که در آموزه‌های دینی ما وجود دارد این است که برخلاف تصور اغلب مردم که عبادت را در نماز و روزه و حج و زکات خلاصه می‌کنند، اسلام نگاه محبت آمیزی که زن و شوهر به همدیگر دارند و کنار هم نشستن آنها

۱۴۰

تفصیل

۱. نساء: ۴، آیه ۲۴.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۷، ح ۲۷۸۷۴.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۷۶، ح ۷۳ ۲۵۰.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۴۵، ص ۹۰، ح ۹.

و کار کردن برای رفع ما یحتاج زندگی را عبادت می داند و این حد توجه اسلام به خانواده فقط و فقط به خاطر اهمیت این نهاد سازنده در جامعه است.

از منظر روانشناسان تربیتی

روانشناسان به اهمیت خانواده از دیدگاه روانشناسی نیز پرداخته‌اند که جا دارد در این تحقیق به آن پرداخته شود.

خانواده تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، پذیرفته شده و توسعه یافته است؛ خانواده در جوامع مختلف از نقش، پایگاه و منزلت‌های گوناگون برخوردار بوده و با این که هسته‌ای کوچک از اجتماع محسوب می‌شود در حیات اجتماعی مردم تأثیر فوق العاده دارد.

هسته اوّل همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی خانواده است، همه نقش‌های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال مواريث و رشد و شکوفایی انسان‌ها به آن مربوط می‌شود، همه سنت‌ها، عقاید آداب، ویژگی‌های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید منتقل می‌گردد.^۱

اهمیت خانواده در دیدگاه اندیشمندان مسلمان نیازی به اثبات ندارد چنان که اهمیت تاریخی و فرهنگی خانواده در میان اجتماعات بشری نیز تردید ناپذیر است، این باور که خانواده اجتماعی متفاوت از دیگر اجتماعات بشری است و تو نایی ویژه‌ای در باز تولید فرهنگ و سامان دهی مناسبات اخلاقی و اجتماعی دارد، باوری فraigیر است که تاکنون از آسیب نفی و انکارها، چه در میان کارشناسان ایرانی و چه در فرهنگ و عمومی دور مانده است، این باور که تایید شده آموزه‌های اسلام نیز هست پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی رسمیت یافت.^۲

۱. خانواده خوب از نگاه اسلام، ص ۱۹ و ۲۰.

۲. حق شناس، جعفر، آسیب شناسی خانواده، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.



با تمام اهمیتی که به مسئله خانواده وجود دارد اما طرح و بحث در مورد خانواده به عنوان یک نهاد کوچک و حاشیه‌ای با نگاه مدرن و نهاد عمدۀ و اساسی، با رویکرد ستّی دنبال می‌شود و مسائل آن بدون تغییر باقی مانده است، درحالی که خانواده امری میان رشته ایست و نزد جامعه شناسان، روانشناسان، مردم شناسان اقتصاد دانان، سیاستمداران، جمعیت شناسان و بسیاری دیگر از اصحاب علوم اجتماعی در دنیا مطرح است، کمتر شرایطی پیش آمده تا صاحب‌نظران این حوزه‌ها بایکدیگر، بحث و بررسی در مورد خانواده را سامان دهند.

در مقابل مدافعان اخلاق اجتماعی و آسیب شناسان به این حوزه از منظر روانی و اخلاقی توجه کرده‌اند، با فرض وجود حوزه مطالعات خانواده در ایران کمتر مطالعه‌ای در مورد خانواده براساس رویکردها و روش‌های این حوزه وجود دارد در عوض خانواده تابع و مرتبط با دیگر نهادهای اجتماعی دیده شده است.

به عبارت دیگر در این مورد اساساً به خانواده با توجه به عناصر آن یعنی ازدواج، طلاق و مانند آن نگریسته شده که این حکایت از یک نگاه گزینشی دارد، نگاه گزینشی به خانواده به معنی نادیده گرفتن کلیت آن و تاکید بر عناصر و اجزاء خانواده از قبیل ازدواج و طلاق می‌باشد، این نوع نگاه به لحاظ روشی همراه با نوعی تقلیل گرایی است.

پژوهشگران مطالعات خانواده مدعی اند خانواده همراه با دیدی کلی و جامع است؛ در این نگاه ضمن توجه به تاریخ خانواده، تحولات آن در روابط عناصر درونی آن بر نتایج خانواده نیز تأکید می‌شود.^۱

پارسونز یکی از بزرگترین جامعه شناسان امریکایی قرن بیستم معتقد است که خانواده پاره‌ای از نظام کل جامعه است که بر مبنای تفکیک نقش‌های جنسیتی

۱. کاردونی، راحله، اشتغال زنان ضرورت یا انتخاب، ص ۶۷.

بناء شده است، تخصص و تفکیک نقش‌ها به حفظ نظام خانوادگی وحدت آن کمک می‌کند و مبنای اجتماعی کردن کودک است.

مرد رئیس خانواده و نقش نان آور را بر عهده دارد وزن نقش بانوی خانواده را ایفاء می‌کند، نقش اقتصادی مرد و شغل وی تعیین کننده پایگاه حقوق خانواده و نقش اصلی مرد در جامعه است و خانه داری اساسی‌ترین فعالیت و نقش زن است، زن مدار زندگی خانوادگی است.

از دیدگاه وی تفکیک جنسیتی نقش‌ها در شکل گرفتن شخصیت کودک نقش قاطعی دارد، پسر خود را با پدر هماهنگ می‌کند و دختر به مادر تأسی می‌جوید.

این سخنان بیانات یک جامعه شناس امریکایی است، متاسفانه بعضی از مسلمانان آن قدر از ریشه اسلامی خود جدا شده‌اند که حتماً این تحلیل خانوادگی را باید از زبان غربی‌ها بشنوند تا اندکی در فکر فرو روند و حال آن که اسلام حدود ۱۴ قرن پیش در مورد خانواده به بحث نشسته و در قالب قال الصادق و قال الباقر به ما رسیده است، جا دارد در این باره وکلا در خصوص مسائل تربیتی انصاف به خرج دهیم و به خاطر رشد و بالندگی خانواده‌هایمان هم که شده است نظر دین را جویا شویم قبل از این که افرادی که دین دار نیستند در این رابطه از ما جلو بزنند.

گفتار دوم: ضرورت و علل اشتغال بانوان

اشغال بانوان موضوع جامع و مهمی است که واقعاً باید در صدر مسئولیت‌های مسئولین امر باشد تا بتوان راهکارهای اساسی برای آن اندیشید، متأسفانه آن چه قضاوت می‌توان کرد این است که به طور دلسوزانه به این امر پرداخته نشده و یا اگر پرداخته شده در عمل مشهود نیست چرا که اگر به علت‌ها و ضرورت‌های اشتغال به طور جامع پرداخته شده بود شاهد این همه ناملایمات و موزون نبودن این مسئله بین زنان و مردان نبودیم، این که شاهد بیکاری چندین



ساله و ریشه دار یک مرد در خانواده‌ای و طلاق و نداری و ناراحتی در آن خانواده و از طرف دیگر شاهد شاغل بودن مرد و زن و فرزند یک خانواده دیگر در جامعه هستیم (بافرض مساوی بودن دو خانواده از نظر کارایی، علمی و توانمندی‌های دیگر) خود به تنها ی گویای وجود این زخم عمیق در بستر جامعه هست.

ضرورت اشتغال بانوان

اشتغال زن مسئله‌ای است که به ویژه در دهه‌های اخیر، با وجهه‌ای جهانی و بدون مرز به عرصه نظریه پردازی فرهنگی و اجتماعی وارد شده است، بحث در این است که آیا اشتغال زنان در جامعه امروز با مولفه‌های خاص آن، به ویژه پذیرش مذهب رسمی تشیع، نوعی ضرورت است یا صرفاً انتخاب یا اختیار برای زنان به شمار می‌رود؟

ضرورت به معنی الزام و اجبار است، اجباری که حاصل از نیاز و حاجتی باشد؛ به همین جهت فرد مضطرب در واقع مجبور به انجام کار است تا نیازش را برآورده کند، اگر اشتغال زن در چارچوب مورد پذیرش یک جامعه در پی رفع نیازهای اساسی آن جامعه باشد، ضرورت می‌یابد.

شاید سوال شود چرا بحث ضرورت اشتغال برای مردان اصلاً به میان نمی‌آید؟

جواب این است که ویژگی‌های بیولوژیکی و طبیعی زن و مرد عملده‌ترین عامل در تفکیک جنسیتی نقش‌ها در خانواده و جامعه بوده است، یعنی زن و مرد به واسطه تفاوتی که در تولید نسل دارند، به طور طبیعی در جایگاه‌های متفاوتی از نقش‌ها قرار گرفته اند و این تفکیک شامل نقش رسیدگی به تمام امور منزل برای زن و نقش حمایتی مالی و در واقع تأمین معاش خانواده برای مرد بوده است.

بر این اساس اشتغال زن با تعریف مدرن خود یعنی (جاداشدن محل زندگی و کار زن) نوعی سرپیچی از قانون طبیعت و تغییر مسیر تاریخ درباره تفکیک



نقش های زن و مرد در خانواده و جامعه به شمار می رود که به همین خاطر با وجود تلاش های بسیاری که گروه های مختلف اجتماعی، در راستای احراق حقوق زن، برای اثبات ضرورت اشتغال زن از لحاظ فردی و اجتماعی در طول چندین دهه کوشیده اند باز هم در جوامع مذهبی و خانواده گرا با تردید به اشتغال مطلق زنان به ویژه متأهلین می نگرنند.^۱

با وجود بحثی که گذشت، بعضی ضرورت ها برای اشتغال زن کماکان وجود دارد که از آن جمله می توان به چند مورد اشاره کرد:

۱. نیروی کار زنان در موقعیت های خاص اقتصادی برای تغییر ظرفیت و به تعادل رساندن دستمزد راه گشاست.

۲. نیروی کار زنان اهرمی برای به تعادل رساندن عرضه و تقاضا در بازار کار است.

۳. زنان خود جمعیت عظیمی از مصرف کنندگان اند که در صورت عدم درآمد زایی و دستیابی به شغل حضور کمتری در بازار مصرف خواهند داشت، در حالی که استفاده از تفاوت های جنسی زنان می تواند در فعال ساختن بخش مصرف و توزیع کالا نقش اساسی ایفا کند.^۲

در یک خانواده پویا بایستی مرد و زن و فرزندان همگی کار کنند چرا که آخرین و مهمترین گروهی که از بیکاری آسیب می بینند خانواده هست و اگر خانواده صدمه ببیند جزو به جزو خانواده ضرر خواهد دید.

البته استثنایی در این میان برای خانم خانواده وجود دارد و آن هم دوران حاملگی اوست و تا زمانی که فرزند به مدرسه می رود زن نمی تواند کار بیرون از منزل داشته باشد، همان بهتر که به تربیت و پرورش فرزند اشتغال داشته باشد،

۱. کاردوانی، راحله، اشتغال زنان، ص ۸۸.

۲. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، ص ۲۶۷.



اگر وقت خالی و بدون دغدغه خانم را ۲۰ سال فرض کنیم یعنی از سن ۵۵ سالگی ایام حاملگی و کودکی فرزند را کم کنیم در این ۲۰ سال خیلی می‌توان کارهای ارزشمند انجام داد، چرا خانمی با وجود کم شدن کارهای درون منزل حاضر نیست کار کند و خود را خانه دار حساب می‌کند؟ آیا خانه داری برای کسی که کارش به حداقل می‌رسد باز شغل حساب می‌شود؟

اگر جواب مثبت است پس چرا بعضی خانم‌ها هستند که هم خانه داری می‌کنند و هم شغل بیرون منزل دارند؟ اگر خانم‌ها کاری داخل منزل حتی مثل زنان قدیم نداشته باشند دچار مشکلات روحی می‌شوند و مشکلاتی را هم برای جامعه به وجود می‌آورند.

نقش روانیت در خصوص این مسئله مهم یعنی اشتغال خیلی پررنگ است از آن جا که ایشان در صحنه‌های سخت انقلاب و در همه زمان‌ها باعث روشنگری و هدایت جامعه شده‌اند و جامعه را از این که وابسته به غرب باشد نجات داده‌اند، انتظار می‌رود که بزرگترین مشکل فعلی جامعه را که اشتغال باشد با توجه به مخازن پر بار روایات و مخصوصاً با استفاده از قرآن کریم حل و فصل کنند، تا فرهنگ جامعه به سمت کار و فعالیت هدایت گردد و برای مردم روشن کنند که ریشه بیکاری در قوانینی است که تصویب آن‌ها مربوط به اوضاع اوایل انقلاب است که باید تغییر کند.^۱

البته نویسنده به خاطر دغدغه زیاد و دلسوزانه‌ای که به مسئله ضرورت اشتغال زن داشته، خواهان این مسئله هست که همه به مسئله اشتغال روی بیاورند حتی بچه‌های دبیرستانی، به نظر می‌رسد که از بعضی مسائل غفلت شده است از جمله این که وقتی همه اعضاء خانواده مشغول کار باشند خدمت رسانی به نان آور اصلی خانه یعنی مرد و همچنین فرزندان و روحیه دادن به آن‌ها و به طور

۱. اخوان مقدم، اکبر، نقش من در بیکاری، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

بررسی پیامدهای اشتغال بانوان در خانواده

کلی مدیریت داخلی خانه تا حد زیادی تقلیل می‌یابد، چون خواسته یا ناخواسته زن از کار بیرون خسته می‌شود و حوصله‌ای برای او در راستای امر خطیر خانه داری باقی نمی‌ماند.

مسئله مهم‌تر در زمان فعلی که به قول فرمایش رهبری معظم، جهاد زنان مسئله فرزندآوری است نمی‌توان با وجود تعدد فرزندان و درگیری‌های زیادی که در این راستا برای زن خانه به وجود می‌آید از او انتظار کاری بیرون از منزل و کاری ثابت داشت، مگر ضرورت‌هایی باشد که نمی‌توان از آن گذشت.

علل اشتغال بانوان

با تغییر رویکردهای جامعه، گسترش جامعه و نیازهای واقعی و یا کاذب در زنان شاهد اشتغال روز افرون زنان خواهیم بود، مخصوصاً در زمانی که تورم به حدی بالا رفته که در یک خانواده چندین نفر باید مشغول کار باشند تا چرخ زندگی بچرخد، در این قسمت از تحقیق به علل اشتغال بانوان اشاره می‌شود: از جمله علل اشتغال زنان می‌توان به عوامل فردی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی اشاره کرد که ابتداء به علل فردی پرداخته می‌شد:

۱. ترس از آینده؛ دگرگونی‌های دهه‌های اخیر، درکشور ما سبب افزایش زنان مجرد و آمار طلاق شده است؛ زنی که ترس از آینده خود دارد که همچنان مجرد مانده و یا متارکه کرده است روی به اشتغال حتی اشتغال کاذب می‌آورد. البته کم شدن اعضای خانواده نسبت به گذشته که بالتبوع منجر به کاهش میزان حمایت اقتصادی خانواده از اعضای خود می‌شود و یا توّقعی که بعضی از مردان مبنی بر این که خانم‌هایشان در امر اقتصادی مشارکت داشته باشند و یا احتمال اعتیاد شوهر در انتخاب شغل زن موثر بوده است.

۲. کسب منزلت اجتماعی؛ حضور در جامعه و کسب منزلت اجتماعی برای عده‌ای از زنان، متأسّفانه آن قدر مهم است که گاهی بدون داشتن مهارت لازم



برای آن شغل، وارد شغل مورد نظر می‌شوند، این گروه از زنان داشتن شغل ولو شغل کاذب را لازمه لاینفک زندگی خود می‌دانند و به ان افتخار می‌کنند.

۳. استقلال اقتصادی؛ گروهی دیگر از زنان دوست دارند که استقلال اقتصادی داشته باشند و برای رسیدن به این هدف چاره‌ای از داشتن یک شغل نمی‌بینند و به علت این که زنان درآمد خیلی بالای حاصل از اشتغال برایشان مهم نیست کار فرمایان استخدام زنان را بمردان ترجیح می‌دهند.

این گروه درحقیقت با طرز تفکری که دارند میخواهند از مدل زندگی دینی

فرارکنند چراکه اسلام قیمومیت را به عهده مرد گذاشته دین مقدس اسلام تا آن جا به فکر زن بوده که هیچ وظیفه‌ای بیرون منزل به عهده زن قرار نداده تا بدین وسیله زن در آرامش روحی کامل باشد و دغدغه‌ای از این بابت نداشته باشد، حتی برای کار داخل منزل هم چون نگهداری بچه‌ها می‌تواند از همسرش پول مطالبه کند، ولی فاصله گرفتن از عقاید دینی و مذهبی متاسفانه در سال‌های اخیر باعث بروز خیلی مشکلات خصوصاً در مساله اشتغال زن شده است.

از همه مهم تر این که ورود زن به مشاغلی که نیروی کاری مرد بهتر و بیشتر جواب می‌دهد و یا حتی مساوی هم باشد چون مرد عهده دار زن و فرزند خود هست، ظلم بزرگی در حق مردان است، اگر این عده از زنان جامعه دینی اندکی وجودان بیدار داشته باشند با ورود خود به اینگونه مشاغل، سفره خانواده‌های اطراف خود را کوچک و کوچکتر نمی‌کنند.

۴. ابراز وجود؛ ابراز وجود دیگر عاملی است که باعث حضور عده زیادی از زنان به مناصب اجتماعی و مشاغل شده است.



نیازهای روحی و روانی یکی از انگیزه‌های زنان برای اشتغال است، هر شخصی دوست دارد که ایده اش در جامعه دیده شود یا از نظر او استفاده شود و یا احساس مفید بودن برای جامعه خود کند.^۱

عوامل خانوادگی

کمک به اقتصاد خانواده

در گذشته فرزندان عضدی برای خانواده خود محسوب می‌شدند اما امروزه به خاطر شیوه آموزشی جدید بچه‌ها دیر وارد بازار کار می‌شوند و زنان مجبورند خود این خلا را پرکنند خصوصاً در خانواده‌هایی که درآمد مرد خانه پایین باشد و دخل و خرج به هم نخورد این ضرورت بیشتر احساس می‌شود.

البته در گذشته با وجود مسائلی چون جنگ و نابسامانی در اوضاع کشور حتی، مرد تنها نان آور خانه بود و هیچ مشکلی به وجود نیامد اما امروزه با پیشرفت تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، تصویر زندگی‌های مرفه تا دورترین نقطه جامعه راه پیدا کرده است و متاسفانه قناعت از زندگی‌ها رخت برپسته است.

سرپرستی خانواده

عده‌ای از زنان هم هستند که علاقه‌ای به کار بیرون از منزل ندارند ولی به خاطر یک سری شرایط مجبورند شاغل باشند؛ مواردی از قبیل فوت همسر، طلاق، کارافتادگی مرد، اعتیاد مرد و... که جا دارد به رفع مشکلات این قشر از زنان توسط مسئولین پرداخته شود.

عوامل اجتماعی

افزایش تقاضا برای کار زنان

یک سری عوامل هست که کارفرمایان از قشر زنان برای ورود به کار بیشتر استقبال می‌کنند از جمله مواردی که این افراد ذکر می‌کنند مسؤولیت پذیری،

۱. جعفری، انسیه، پژوهش گرایش زنان به اشتغال، ص ۸۵.



دستمزدکم آنان، سربه راهی بیشتر، مهارت‌های مرتبط با وظایف خانگی در مشاغلی چون آموزگاری، پرستاری، خیاطی، آشپزی، نظافت و... و همچنین جذب زن در جلب مشتری که متأسفانه از مردم اخیر چه سوء استفاده‌ها که نکرده‌اند.

ضرورت جامعه

عده‌ای از زنان هم هستند که ملاک انتخاب شغل را پذیرفتن مسولیت اجتماعی، کارآمدی، خدمت رسانی، رشد و تعالی جامعه و حفظ ارزش‌های الهی می‌دانند و در قبال جامعه دینی خود را مسؤول می‌دانند.

تغییر سبک زندگی

نوعی سبک زندگی از گذشته در جامعه حاکم بوده و آن چشم و هم چشمی است که متأسفانه این موضوع در همه جوانب زندگی حتی شاغل بودن زنان ورود پیداکرده است.

ناکارآمدی نظام آموزشی

بعد از پیروزی انقلاب با وجود آثار مثبتی که مساله آموزش زنان داشت، آن قدر به اشتغال توجه شد که دختر و پسر خود را از نظر درآمد و شغل در وضعیت یکسان می‌بینند و این باعث شد که خانواده به عنوان مهترین رکن جامعه در دید مردم خیلی کمنگ شود.

وقتی مرزهای جنسیتی کنار زده شود و دانشجوی دختر و پسر تمایل‌های یکسان داشته باشند سرپرستار خانواده ضربه مهلكی خواهد خورد، وقتی مرد نتواند شغلی برای خود انتخاب کند بالتبیع سن ازدواج بالا می‌رود.

افزایش اوقات فراغت

نظام آموزشی جدید باعث شده فرزندان وقت بیشتری بیرون منزل باشند، از طرف دیگر پیشرفت تکنولوژی هم باعث شده کارهایی را که در گذشته خانم‌ها خودشان انجام می‌دادند، الان دستگاه انجام دهد و باز مسؤولین تدبیری نیندیشیده اند که زنان زمینه‌های متنوع در فعالیت‌های اجتماعی برای پرکردن

اوقات فراغت خود داشته باشند؛ این موارد اوقات فراغت زنان را خیلی بیشتر کرده و همین امر باعث روی اوری انها به اشتغال شده است.

در پژوهش اشتغال زنان عوامل، پیامدها رویکردها هم به مواردی مشابه آن چه که آورده شد، پرداخته شده است؛ مواردی از قبیل:

تحوّل در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی؛ تحول در ساختارهای اقتصادی؛ احساس مسؤولیت اجتماعی؛ افزایش تقاضا برای کار زنان؛ افزایش اوقات فراغت؛ تکثیرگرایی و تنوع طلبی؛ تکثیرگرایی و تنوع طلبی تا حدی زیاد بر موضوع اشتغال اثر داشته است.

۱۵۱



گذشته از آثار بدی که این روحیه در وضع اقتصادی مردم گذاشته است، در رفتارهای غیر اقتصادی نیز اثر نامطلوب گذاشته به طوری که زنان فضای یکنواخت خانه را نمی‌طلبند و دوست دارند در فضای جامعه با تجربیات نو و گوناگون به مشاغل روی بیاورند و احساس می‌کنند عدم حضور در عرصه‌های اجتماعی به ضعف در اطلاعات، تحلیل‌ها و تجربه‌های آن‌ها می‌انجامد.^۱

انگیزه اقتصادی، استقلال طلبی، کسب منزلت اجتماعی که در دوگزینه روانی و اقتصادی جامعه جای می‌گیرد، عللی است که در کتاب مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی به آن اشاره شده است.^۲

فصل سوم: پیامدهای اشتغال بانوان در خانواده

زن به واسطه جایگاه مهمی که در خانواده دارد، حضورش در خانه می‌تواند خیلی راهگشا باشد. اسلام به مثابه دین رهایی بخش برای جوامع گوناگون خصوصاً جامعه دینی هست که به این موضوع خیلی توجه داشته است و این مهم به تنها ای اهمیّت خانواده و خانه را که مسکن یعنی محل ارامش نامیده شده می‌رساند.

۱. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، ص ۲۶ تا ۲۸.

۲. اسحاقی، حسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

در این فصل از تحقیق به پیامدهای تربیتی، روحی، روانی و عاطفی اشتغال زن پرداخته می‌شود:

پیامدهای تربیتی اشتغال زن در خانواده

زنان شاغل به دلیل این که همزمان باید نقش‌های اجتماعی و خانگی را تحمل کنند، به الگوی تقسیم کار جنسیتی معرض می‌شوند، و مفهوم «برابری» به معنی تشابه نقش‌ها رفته در ذهن آن‌ها ارزشمند تلقی می‌گردد، نتیجه تغییر نگرش‌ها و تمایل‌های زنان به تدریج مرزهای جنسیتی را در نظر آنان کم رنگ می‌سازد و آن چه تا دیرباز ارزش‌های زنانه به شمار می‌آمد جای خود را به ارزش‌های جدید می‌دهد.

۱۵۲

با توسعه اشتغال زنان، آثار تحولات هویتی آن‌ها را هم در حوزه فردی به صورت واکنش در برابر آموزه‌هایی که بر تفاوت‌ها تاکید می‌کنند یا تفاسیر غیر روشنمند از متون وحیانی مشاهده می‌کنیم و هم در روابط خانوادگی و اجتماعی. از دیگر آثار منفی تربیتی اشتغال زنان می‌توان به احساس نارضایتی در خود مادران شاغل اشاره کرد، چراکه اشتغال آن‌ها باعث می‌شود بر اضطرابشان در مورد رفاه کودکشان بیافزاید و از این که در خانه و در کنار فرزندانشان نیستند احساس گناه و ناراحتی کنند.

اشغال افزون براین که زنان شاغل را به تغییر الگوی تقسیم نقش‌ها و تغییر ساختار خانواده فرا می‌خواند، بر کودکان نیز تأثیری عمیق می‌گذارد، یه گفته اریکسون والدین در نخستین سال‌های زندگی کودک با سلوک و رفتارهای خویش، به طور منظم و ناخود آگاه الگوهای فرهنگی خود را در سیستم عصبی کودک جای می‌دهند و زمانی که الگوهای مغایر با برابری زن و مرد به کودکان القاء شود نمی‌توان عکس آن را در بزرگسالی به آن‌ها تحمیل کرد.^۱

۱. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، ص ۴۲ و ۴۳ و ۴۹.

پیامدهای روحی و روانی اشتغال زنان در خانواده

اسلام به مساله خانواده عنایت ویژه‌ای دارد و برای افراد خانواده که رکن اساسی آن زن و مرد هستند تکالیف و نقش‌های ویژه‌ای را در نظر گرفته که برای عملکرد حیاتی خانواده لازم است. عدم حضور هر یک از اعضای خانواده به ویژه زن، در انجام تکالیف خود ضربه جبران ناپذیری بر پیکر خانواده وارد می‌سازد و استحکام و بنیان آن را متزلزل می‌سازد.

در کنار پیامدهای مثبتی که در مورد اشتغال زنان هست مثل افزایش درآمد خانواده، کمک اقتصادی به همسر و در نتیجه رضایتمندی همسر که حتی برخی پژوهشگران بر این عقیده اند که اشتغال زن به دلیل کم کردن فشار اقتصادی باعث رضایتمندی شوهر می‌شود و رابطه آن‌ها را با هم بهتر می‌کند، اما بسیاری از کارشناسان معتقدند که اشتغال زن پیامدهای منفی بسیاری را به بار می‌آورد.^۱

در بررسی اشتغال روزافزون زنان توجه ما معمولاً به زیان‌هایی جلب می‌گردد که دامن گیر کودکان می‌شود، ولی به پیامدهای ناگوار این وضعیت بر روحیه مردان توجه نمی‌کنیم، اگر زن ازدواج کرده نقش ننان آوری را بر عهده بگیرد خطر رقابت با شوهر به میان می‌آید که برای وحدت و یک پارچگی خانواده زیان اور است.

از جمله دیگر پیامدهای روحی و روانی که اشتغال زنان باعث آن می‌شود:

۱. در امور داخل منزل کاستی‌هایی به وجود می‌آید و ایجاد تنفس در خانواده امری بدیهی خواهد بود.

۲. فشار ناشی از کار رسمی و کار خانگی که خستگی زنان را به دنبال دارد، بر روابط جنسی زوجین تاثیرات ناخوشایندی می‌گذارد، چرا که روابط جنسی رضایت بخش افزون براین که برشادابی جسمی و روانی مرد موثر است و حسن

۱. همایونفرد، لیلا، تاثیر اشتغال زنان بر روابط خانواده، ص ۱۵۴.



اعتماد به نفس و انگیزه حمایت از همسر را در وی افزایش می‌دهد، بر شادمانی و نشاط زن نیز تاثیری مثبت دارد.

۳. از دیگر پیامدهای روحی و روانی اشتغال زن در خانواده، کاهش ارتباط کلامی زوجین با هم دیگر است چرا که وقتی در محیط کار ارتباط کلامی با همکاران هست، زن نیازی با هم صحبتی با همسر خود ندارد، ارتباط کلامی میان زوجین از عوامل استوار سازی روابط زوجین است.

۴. اشتغال و کسب درآمد مازاد بر آن چه که نان آور خانواده متحمل آن هست در جایی که سبب به وجود آمدن انتظارات زیاده از حد شود، باعث فشار روانی بر خانواده است.

کسانی که موافق اشتغال زن هستند، متوجه این نکته نیستند که اشتغال زن در جایی باعث افزایش درآمد خانواده و رونق خانه می‌شود که موازنی میان درآمد و انتظار باشد، اگر قرار باشد که با بیشتر شدن درآمد، انتظارات خانه چندین برابر رشد فراینده داشته باشد، این اشتغال مؤثر که نخواهد بود بلکه مخرب است.

۵. اشتغال زن گاهی باعث کاهش مسئولیت در مردان شده است به طوری که آمار زیادی از پسران انتظار دارند زنانشان در نان آوری مشارکت داشته باشند و چشم به درآمد همسرشان دارند.

شاهد بر این مطلب سخن بار بارا اهر نریخ است که در کتاب خود، با تشریح اخلاق نان آوری درده ۱۹۵۰ که مردان را به ازدواج، کسب یک شغل آبرومند و حمایت از همسر و فرزندان خود ترغیب می‌کند، می‌گوید باور عمومی جامعه در آن زمان همین بود اگر کسی غیر از این عمل می‌کرد از مرد کمتر شمرده می‌شد، اما در ۱۹۷۰ یعنی طی ۲۰ سال این اصول اخلاقی چنان خدشه دار شده که مردی که از زنان متکی به خود دوری کند یا مردی که ازدواج را تا میانسالی عقب بیاندازد یا مردی که خود را وقف لذت جویی‌های خود کند سالم تر به شمار می‌آید.^۱

۱۵۴



۱. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، ص ۵۹ و ۶۰.

۶. در زندگی زوج‌های هر دو شاغل، انواعی از تعارض‌های خانوادگی و کاری وجود دارد که تندي‌های شغلی، فشارکاری زیاد، تعارض نقش، مشکلات مربوط به مراقبت از کودک، نگهداری از بزرگسالان و مسائل مربوط به تعادل بین شغل، خانواده و نیازهای شخصی از جمله آن‌ها هستند، فشار روانی دارای کیفیتی قابل انتشار است و می‌تواند از یک جنبه به جنبه‌های دیگر زندگی سرایت کند. تعارض‌های مبتنی بر فشار روانی وقتی اتفاق می‌افتد که نشانه‌های تندي مانند خستگی و تحریک پذیری از یک نقش به نقش دیگر وارد می‌شود.

تعارض‌های مبتنی بر رفتار عبارت است از ناهمگونی رفتار مورد انتظار در یک نقش با نقش دیگر، مانند زمانی که از کارمند در محیط کار منطقی و غیر احساسی عمل کردن و در خانواده عاطفی بودن مورد انتظار است.

انواع گوناگون فشار‌های روانی به طور طبیعی بر رابطه زوج هر دو شاغل تاثیر می‌گذارد؛ این فشار‌های روانی شامل انتظارات و توقعات شغلی در مقابل انتظارات و توقعات شخصی و خانوادگی رقابت بین زن و شوهر در زمینه شغل، تقسیم کار، مسؤولیت هر فرد در تربیت فرزند، تخصیص زمان به خانواده نقل مکان‌های جغرافیایی وابسته به شغل شبکه‌های اجتماعی و حفظ هویت در مقابل انتشار هویت خواهد بود.^۱

پیامدهای عاطفی اشتغال بانوان در خانواده

شاید مهمترین پیامد منفی اشتغال زنان مربوط به بعد عاطفی آن هم نسبت به کودک باشد، هنگامی که خانواده از جهت عاطفی پر و لبریز نباشد، اتفاقات ناگواری را باید شاهد بود.

جدا کردن کودک از مادر برای شخصیت و وجود آنان یک آسیب و تهدید به شمار می‌آید که بر حال و آینده آنان تأثیر می‌گذارد و موجب عقب ماندگی

۱. نظری، علی محمد، مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

رشدشان می‌شود، بررسی‌ها نشان می‌دهد بین نبود مادر با رفتار ضد اجتماعی کودک رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، جدایی کودک از مادر در کنار جنبه‌های جزئی و مختلف دیگر از منظری کلان وکلی مانع رشد طبیعی کودک می‌شود. امروزه زنان بنابر اوضاع اجتماعی و تطبیق آن به مشاغل و نقش‌های تازه رو آورده و در عرصه فعالیت‌های مختلف اجتماعی، تحصیلی، شغلی به هویت‌های تازه و تجربه‌های بیشتری دست یافته‌اند، طبیعی است این تحولات در نگرش و عملکرد نقش آنان و نیز روابط اعضای خانواده تاثیرات مهمی پدید آورده است، زیرا آنان ناگزیرند به رغم وظایف خانه داری و حضور در عرصه‌های اشتغال به حفاظت از پیوندهای خانوادگی و شبکه ارتباطی درون آن پرداخته و دوری از فرزندان خود را تحمل کنند.

۱۵۶

این جدایی که فضای حیات روانی کودکان را محدود ساخته ممکن است نوعی گرسنگی و احساس عدم ایمنی یا به بیان دیگر، سوء تغذیه روانی و عاطفی در کودکان پدید آورد و این دغدغه اصلی مادران شاغل است.

مهمنترین مساله‌ای که در پژوهش‌ها به چشم می‌خورد این است که مادر یک محرك دائمی برای طفل به شمار می‌رود به گونه‌ای که کارشناسان معتقدند مادران کلید اصلی آموزش صحبت با کودکان شان هستند.

مادرانی که طی نخستین سال زندگی کودک سی ساعت در هفته کار می‌کنند مهارت‌های رابطه آنان با فرزندانشان ضعیف‌تر می‌شود، زیرا زمان کمتری برای پرورش این مهارت‌ها داشته‌اند حتی زمانی هم که به خانه بازمی‌گردند به دلیل خستگی جسمی و روانی و گاه احساسی توانایی آن را پیدا نمی‌کنند.

اشتباه بزرگ جوامع امروزی این است که از سال‌های کودکی، کودکستان و دبستان را جایگزین کانون خانواده و دامان مادر کرده‌اند؛ این امر را باید معلول تساهل زنان دانست و مادرانی که به واسطه کار بیرون، فرزندان خود را به این

مراکز می‌فرستند، سبب خاموش شدن چراغ‌های زندگی می‌شوند زیرا رشد کودکانی که در میان خانواده خود به سر می‌برند بیش از اطفالی است که در مدارس شبانه روزی بین همسالان خود زندگی می‌کنند.

در آموزه‌های اسلام می‌بینیم که مادر تا هفت سال در زمینه حضانت دختر و پسر بر پدر اولویت دارد، در نتیجه حضور مادر در کنار فرزندش هر چه بیشتر و بهتر باشد مخصوصاً سال‌های اول زندگی نیاز جسمی، روحی، عاطفی و شناختی فرزندان را برای رشد به هنجار شخصیت و عواطفشان فراهم می‌سازد و نبود مادر به سبب اشتغال می‌تواند زمینه‌های اختلالات گسترده را در آنان فراهم سازد.^۱

در این قسمت از پژوهش به گفته چند شخصیت از روانشناسان غربی اشاره می‌شود:

«ایبراهیمسن» معتقد است محبت مادر به کودک به مثابه‌ی منبع تامین نیاز و ویتامین روانی است، با توجه به این که نخستین سال‌های زندگی کودک، سال‌های تکوین شخصیت و تاثیر پذیری و شکل‌گیری‌اند.

اگر در خانواده هیجان‌ها و طغیان‌های پیاپی عاطفی روی دهد، رشد عاطفی کودک به آسانی متوقف می‌شود.^۲

پژوهش «گلد فارب» به طور ویژه نشان داده کودکانی که از مهر مادر محروم بوده‌اند در مقایسه با کودکانی که زندگی طبیعی داشته‌اند، در نهایت دچار کم هوشی می‌شوند و این عارضه می‌تواند بر اثر زندگی در مؤسسات نگهداری و تربیت نیز رخ دهد.

هم چنین در سال ۱۹۴۹ سازمان بهداشت جهانی تمایل خود را در زمینه بررسی وضعیت کودکان محروم از مهر مادر اعلام و جان بالی را مامور کرد تا با

۱. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، ص ۱۷۶ تا ۱۹۲.

۲. میشل روتر، محرومیت از مادری، ترجمه‌هادی سلیمی اشکوری، ص ۳۵.



بررسی موضوع، گزارشی را درباره این که آیا این کودکان احتمالاً از تجربیات خود رنج می‌برند یا خیر و نیز درباره بهترین شیوه تعلیم و تربیت آن‌ها تهیه کند. «بالبی» در سال ۱۹۵۱ گزارش خود را برای سازمان تهیه کرد، نتایج تحقیقات اونشان دهنده دامنه عوارض محرومیت از مهر مادری بود.

وی بیان می‌کند که اگر کودکان طی نخستین سال‌های زندگی از مهر مادری محروم شوند، عوارض آن در سال‌های پس از دوران کودکی بروز می‌کند؛ جمله‌ای که وی روی آن تاکید می‌کند این است که عشق مادر در دوران نوزادی و کودکی همان قدر برای بهداشت روانی کودک دارا اهمیت است که ویتامین‌ها و پروتئین‌ها در بهداشت جسمی او مهم‌اند.

او همچنین تاکید کرد که اگر مادر خانواده شغلی تمام وقت داشته باشد، آثار منفی گوناگون ممکن است در کودکان پدید آید؛ بنا به دیدگاه او در کودکان محروم از مهر مادری این مشکلات از سه طریق آشکار می‌شود:

۱. در دوران نوجوانی بزهکار می‌شوند.

۲. در موارد حادتر ممکن است دچار بیماری روانی بی عاطفگی شوند.

۳. از نظر هوشی نیز ممکن است دچار مشکل شوند.

اما بعضی تحقیقات دیگر نشان داده که بچه‌هایی که در مهد بزرگ می‌شوند از هوش بالاتری برخوردارند ولی در مقایسه با بچه‌هایی که در آغوش خانواده بزرگ می‌شوند آشفته‌تر، نگران‌تر و ضد اجتماعی‌ترند، نیز تعدادی از تحقیقات دیگر نشان داده که مهدها برای تطبیق احساسات بچه‌ها مکان مناسبی نیست.

دو صاحب نظر دیگر در این زمینه می‌گویند: به نظر می‌رسد به طور کلی مادران شاغل با واگذاری کودکان خود به یک محیط گروهی دست کم دو نوع آسیب روانی بر کودکان خود وارد می‌کنند.



بر پایه فرضیه تک مادری برای این که احساس دلستگی در کودک پدید آید باید صرفاً یک نفر از او مراقبت کند؛ براین اساس، اگر چند نفر از کودک مراقبت کنند در فرایند دلستگی او خلل ایجاد شده و او دچار اضطراب می‌شود. بنابر فرضیه محرومیت از حرک کودکان به صورت گروهی از توجه، علاقه و انگیزه کافی برخوردار نمی‌شوند و در نتیجه ممکن است رشد اجتماعی و شناختی آنان کند شود.^۱

بحث پیامد عاطفی اشتغال زن فقط بر فرزندان نیست بلکه سنگینی وظیفه و مسولیت او در بیرون از منزل سبب می‌شود به همسر خود نیز نرسد، به کارهای او با بی‌اعتنایی بنگرد، نگاه‌ها دل سرد کننده و برخوردها مأیوس کننده باشد و این خود موجب افسردگی و اختلاف‌ها می‌شود.

بر اساس تحقیقات بخشی از اختلافات و درگیری‌های خانوادگی مربوط به کار زنان می‌شود زیرا بخشی از وظایف و مسئولیت‌هایی که مرد از زن متوقع است بر زمین می‌ماند.

همسران این گونه زنان به تدریج از موقعیت شغلی زن و مشکلاتی که ممکن است برای زندگی مشترکشان پدید آورند ابراز نارضایتی نموده، تبعات این موضوع تشدید مشاجرات لفظی و تحت الشعاع قرار گرفتن امنیت و آسایش خانه و فرزندان است.

رابطه اشتغال زنان و طلاق از مباحثی است که باید بیشتر مورد دقت قرار گیرد؛ در بررسی عوامل زمینه ساز جدایی و گسیختن خانواده، به سستی و سردی روابط عاطفی از مدت قبل از طلاق بر می‌خوریم.

در کالبد شکافی این جریان سستی تدریجی عواطف میان زن و شوهر یکی از عوامل مهم ارضای عاطفی از طریق روابط با دیگران است، التنادهای بصری

۱. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، ص ۱۷۶ تا ۱۹۱.



وسمعی در فضای ارتباطی با همکاران که به نوعی روابط صمیمانه توأم با احترام است و انتظار و تکلیفی هم در بین نیست به صورت ناخود آگاه مقدار قابل توجهی از نیاز عاطفی همسر را کاهش می دهد و به صورت تدریجی به تنزل کیفیت زناشویی می انجامد و بالاخره جدایی روانی، طلاق و جدایی فیزیکی را به دنبال دارد.

۱۶۰

لغزن

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به لطف خداوند بزرگ تا حدودی به پیامدهای روحی، روانی و عاطفی و تربیتی اشتغال بر خانواده پرداخته شد، برای بروز رفت از این موانع و مشکلات راهکار های زیادی پیشنهاد می شود که یکی از بهترین پیشنهادات می تواند پاره وقت کردن و مشارکتی کردن مشاغل مربوط به زنان باشد، که إن شاء الله بطور مفصل در پژوهش های بعدی به این مهم پرداخته خواهد شد.

به طور کلی زمانی که اثرات نامطلوب امری بر شخص و بر جامعه هویدا می شود باید عزم عمومی در مسیر تغییر قرار گیرد.

دکتر «جیمز سی دابسون» عقیده دارد که اگر یک بازگشت همه جانبه از این سبک زندگی در قالب یک نهضت جهانی به وجود آید، نتایج شگفت انگیزی برای خانواده ها به دنبال خواهد داشت که کاهش نرخ طلاق و تعادل در خانواده، از آثار مفید آن خواهد بود، همچنین دستیابی به شرایط مورد انتظار کودکان و رفاه بیشتر و دهها دستاورده دیگر را می توان انتظار داشت.^۱

۱. جیمز سی، دابسون، خانواده در بحران، سیاحت غرب، ص ۶۶.

فهرست منابع

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار.
۴. فیروزآبادی، ابوطاهر مجدالدین محمد، قاموس المحيط.
۵. حسینی زیدی واسطی، مرتضی، تاج العروس.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
۷. معین، محمد، فرهنگ معین.
۸. انوری، حسین، فرهنگ بزرگ سخن.
۹. زعفرانچی، لیلا، اشتغال زنان، نشر: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۱۰. اسحاقی، حسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، نشر: هاجر، ۱۳۹۰.
۱۱. نظری، علی محمد، مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی، نشر: علم، ۱۳۸۶.
۱۲. حق شناس، جعفر، آسیب شناسی خانواده، نشر: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۱۳. اخوان مقدم، اکبر، نقش من در بیکاری، نشر: شمیم معرفت، ۱۳۹۵.
۱۴. زیبایی نژاد، محمد رضا، پژوهش اشتغال زنان عوامل، پیامدها، رویکردها از نگاه مدیریت اجتماعی، ۱۳۸۸.
۱۵. احمدیه، مریم، پژوهش اشتغال زنان در آراء و ادبیات فقهی، ۱۳۸۸.
۱۶. جعفری، انسیه، گرایش زنان به اشتغال، سایت کتابخانه مدرسه فقاهت.
۱۷. تکمیل همایون، ناصر، مقاله بررسی موقعیت و متزلت زن در تاریخ ایران، ۱۳۵۴.
۱۸. کاردانی، راحله، اشتغال زنان ضرورت یا انتخاب، سایت کتابخانه مدرسه فقاهت، ۱۳۹۷.
۱۹. روترا، میشل، محرومیت از مهر مادری، ترجمه: سلیمانی اشکوری.
۲۰. همایونفرد، لیلا، تاثیر اشتغال زنان بر روابط خانواده، نشر: موسسه اموزش عالی مجتبه امین.